درس سوم علوم و فنون۳

تحلیل درس سوم

علوم و فنون ادبی دوازدهم

مراعات نظیر، تلمیح و تضمین

✓□✓□ پیش گفتار

✓□ بدیع :

بدیع در لغت به معنی تازه و نو است.

و در ادب فارسی به مجموعه آرایه هایی گفته می شود که بر زیبایی لفظی و معنایی می افزایند.

✓□آرایه های لفظی به آرایه هایی گفته می شود که با تغییرات آوایی و موسیقایی سروکار دارند(از نظر لفظی و تلفظ باعث زیبایی کلام می شوند) مانند: سجع، جناس، موازنه و ترصیع، تکرار، تصدیر و واج آرایی که در حوزه بدیع لفظی از آن ها سخن به میان آمد.

مثلا در بیت زیر شاعر با استفاده از دو واژه ی " بیش و پیش" به علت هم وزنی دو کلمه و همسانی آن ها در دو واج؛یعنی از لحاظ تلفظ، سبب افزایش موسیقی درونی و لفظی شده است و (جناس) جزء آرایه های لفظی است👇👇

✓□پیش از اینت بیش از این اندیشه عشاق بود

مهرورزی تو با ما شهره ی آفاق بود

✓ **آرایه های معنوی** به آرایه هایی گفته می شود که از لطف تعبیر و زیبایی معنی به وجود می آیند(یعنی حسن و تزیین کلام مربوط به معنی است نه لفظ)مانند: مراعات نظیر، تلمیح، تضمین، تضاد، تناقض، ایهام، لف و نشر، اغراق و حس آمیزی که در حوزه بدیع معنوی جای می گیرند.

مثلا در بیت زیر دو واژه " صبح و شام" و نیز دو واژه " ازل و ابد" از نظر معنی متضاد هستند و این تضاد معنی، باعث افزایش موسیقی معنوی بیت شده است و (تضاد) جز آرایه های معنوی است👂👂

✓از دم صبح ازل تا آخر شام ابد

دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود

● بنابراین علمی که به بازشناسی و مطالعه ی آرایه های لفظی و معنوی می پردازد "بدیع" نام دارد.

در این درس به معرفی سه آرایه از آرایه های بدیع معنوی خواهیم پرداخت:

مراعات نظیر

تلمیح

تضمین

مراعات نظیر:

مراعات نظیر در لغت:

به معنی تناسب ها و هماهنگی هاست(مراعات: رعایت، ملاحظه کردن / نظیر: مثل و مانند / مراعات نظیر : رعایت کردن مانندها و نظیرها)

در اصطلاح ادبی:

آوردن واژه هایی در سخن است که با یکدیگر ارتباط معنایی داشته باشند؛ به عبارت دیگر اجزایی از یک کل معنایی می باشند.

زیبایی مراعات نظیر در تعامل و هم نشینی واژه هاست.

●به زبان ساده تر وقتی شاعر یا نویسنده از واژه هایی استفاده کند که جز یک مجموعه باشند و به نوعی با هم تناسب داشته باشند و این تناسب واژه ها می تواند از نظر جنس، نوع، مکان، زمان،زمان، همراهی و ... باشد.

چند نکته در مورد این آرایه: 👇👇

۱- وقتی دیدن یک واژه، واژه یا واژگان دیگر را تداعی کند، بین واژه ها مراعات نظیر به وجود می آید.

مثلا دیدن گل، بهار، سرسبزی، طراوت، دشت و.... به یاد می آورد.

۲ - این آرایه ی معنوی بیش از هر آرایه ی دیگر در شعر و نثر فارسی به کار می رود.

۳- باید توجه داشت که تفاوت مراعات نظیر با تناسب این است که مراعات نظیر در قلمرو ادبی بررسی می شود و جز آرایه های ادبی محسوب و موجب زیبایی آفرینی می شود در حالی که تناسب یکی از رابط معنایی واژه هاست در قلمرو زبانی بررسی می شود و موجب زیبایی نمی شود بنابراین آرایه ادبی نیست.

۴- مراعات نظیر می تواند با ایهام تناسب در ارتباط باشد زیرا واژه ای که ایهام تناسب دارد در یک معنی که مورد نظر شاعر نیست با واژه یا واژه های دیگر متن یا شعر ایجاد تناسب می کند؛ مثلا :

چنان سایه گسترد بر عالمی

که زالی نیندیشد از رستمی

در این بیت واژه ی " زال" ایهام تناسب دارد زیرا دارای دو معنی است یک معنی "پیرزن" که معنی مورد نظر و پذیرفتنی است و معنی دوم "نام پدر رستم" که این معنی پذیرفتنی نیست ودر این معنی با واژه ی "رستم" ایجاد تناسب می کند.

بنابراین واژه ی "زال" ایهام تناسب دارد و از طرفی دو واژه " زال و رستم" مراعات نظیر نیز دارند.

به نمونه های زیر دقت کنید 👇👇

"من مسلمانم

قبله ام یک گل سرخ

جانمازم چشم، مهرم نور

دشت سجاده ی من "

"سهراب سپهری"

در این شعر واژه های: "مسلمان، قبله، جانماز، مهر و سجاده" ارتباط معنایی دارند. می توان گفت زیبایی و تناسبی که در بیت وجود دارد از هم نشینی این واژه ها به وجود آمده است.

✓ بیستون کندن فرهاد نه کاری است شگفت

شور شیرین به سر هر که فتد کوهکن است

"هما شیرازی"

همانطور که مشاهده می کنید در بیت بالا واژه کوهکن با فرهاد و شیرین تناسب دارد و تعامل معنایی این واژگان موجب زیبایی و تاثیرگذاری شعر شده است:

✓ هر کو نظری دارد با یار کمان ابرو

باید که سپر باشد پیش همه پیکان ها

"سعدی"

در این بیت واژه های " کمان، سپر و پیکان " ایجاد مراعات نظیر می کنند چون همه ابزار جنگی هستند.

✓ چترها را باید بست

زیر باران باید رفت

"سهراب سپهری"

واژه های " چتر و باران " به نوعی با هم تناسب دارند چون هر کدام تداعی کننده ی واژه دیگریست و مراعات نظیر دارند.

✓ شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل

کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها؟

"حافظ"

واژه های " موج، گرداب و ساحل " مراعات نظیر دارند.

✓ سر من مست جمالت، دل من رام خیالت

گهر دیده نثار کف دریای تو دارد

"مولوی"

واژه های " سر، دل و دیده " و نیز واژه های " گهر، کف و دریا " ایجاد موسیقی معنوی و مراعات نظیر می کنند.

✓ گر چه گاهی شهابی/ مشق های شب آسمان را زود خط می زد و محو می شد/ باز در آن هوای مه آلود/ پاک کن هایی از ابر تیره خط خورشید را پاک می کرد.

"قیصر امین پور"

واژه های " شهاب، آسمان، هوای مه آلود، ابر تیره و خورشید " و نیز واژهای " مشق شب،خط زدن، محو شدن، پاک کن، خط و پاک کردن " مراعات نظیر دارند.

✓ ناگهان/عشق/آفتاب وار/ نقاب برافکند/ و بام و در/ به صورت تجلی/ درآکند/ شعشعه ی آذرخش وار/ فروکاست/ و انسان/ برخاست.

"احمد شاملو"

واژه های " آفتاب، تجلی، شعشعه، آذرخش وار " و نیز " بام و در " ایجاد مراعات نظیر می کنند.

✓تلمیح :

تلمیح در لغت :

تلمیح از باب تفعیل و از ریشه ی "ملح" است و به معنی "به گوشه چشم اشاره کردن و دیدن و نگریستن به خفی و پنهان" است.

در اصطلاح ادبی:

وقتی شاعر یا نویسنده به یک داستان، آیه، حدیث، مثل یا به مصراع یا بیتی از شاعر دیگر اشاره کند.

و در واقع تلمیح یعنی گنجاندن یک داستان بلند در سخنی کوتاه است که معانی بسیار را در کمترین واژه ها جای می دهد و این ایجاز از جهت هنری، بسیار مهم و قابل توجه است.

✓✓چند نکته در مورد این آرایه: 👇👇

۱_ لازمه ی بهرمندی از تلمیح، آگاهی از دانسته ای است که شاعر یا نویسنده به آن اشاره می کند.

۲_ باید توجه داشت که لازمه تلمیح داشتن، این است که واژه یا واژگانی از نمونه تلمیح شده در سخن ذکر شود ولی اگر به طور غیر مستقیم فقط مضمون و محتوا را در بر داشته باشد، قرابت یا تناسب معنایی است نه تلمیح.

مثل بیت زیر:

آتش حب الوطن چون شعله فروزد

بر دل مومن کند به مجمره اسپند

این بیت تلمیح دارد به حدیث نبوی " حب الوطن من الایمان" چون "حب الوطن" در بیت ذکر شده است.

اما با بیت زیر قرابت معنایی دارد چون واژه یا واژگانی از حدیث ذکر نشده و فقط هر دو مضمون و محتوای "وطن پرستی " را دارند:

ناله ی مرغ اسیر این همه بهر وطن است

مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است

۳_در تلمیح ایجاز هست زیرا با ذکر واژه هایی، کل یک داستان تداعی می شود؛ ایجازی که رساننده ی معنی باشد از موارد بلاغت و هنر کلامی است (لفظ اندک و معنی بسیار).

۴_ گاهی تلمیحات، مراعات نظیر هم هستند زیرا در تلمیح، حداقل دو واژه از داستان، حدیث و... ذکر می شود؛ بنابراین گاه اساس تلمیح بر پایه مراعات نظیر(تناسب) نیز استوار است. مثل نمونه های زیر: 👇👇

◆ما قصه ی سکندر و دارا نخوانده ایم

از ما بجز حکایت مهر و وفا مپرس

واژه های سکندر و دارا تلمیح دارد به حمله اسکندر مقدونی به ایران و شکست داریوش سوم هخامنشی.

ونیز این واژه ها به نوعی _ چون قهرمانان یک داستانند _ با هم تناسب و مراعات نظیر نیز دارند

و نیز واژه های "مهر و وفا " تلمیح دارد به داستان عاشقانه که قهرمانانش " مهر و وفا" نام داشته اند و هم مراعات نظیر دارند.

◆به تولای تو در آتش محنت چو خلیل

گوییا در چمن لاله و ریحان بودم

واژه های " آتش و خلیل " هم تلمیح دارد به داستان در آتش انداختن حضرت ابراهیم(ع) به دستور نمرود و مراعات نظیر نیز دارند.

۵_ آرایه تلمیح جز مباحث بدیع معنوی است اما باید توجه داشت که گاه تلمیح بر اساس "تشبیه" استوار است و از این جهت می تواند جز مباحث علم بیان نیز قرار گیرد؛ تلمیحاتی که جنبه ی تشبیه یا استشهاد دارند، علاوه بر تلمیح خیال انگیز نیز هستند.

مانند:

◆ما قصه ی سکندر و دارا نخوانده ایم

زما بجز حکایت مهر و وفا مپرس

واژه های مهر و وفا از یک طرف تلمیح دارند به داستان عاشقانه مهر و وفا و از طرف دیگر شاعر به طور پوشیده خود و یارش را در عشق ورزی به دو شخصیت مهر و وفا تشبیه کرده است(تشبیه تلمیحی).

◆پدرم روضه ی رضوان به دو گندم بفروخت

من چرا مُلک جهان را به جوی نفروشم

در این بیت نیز شاعر خود را در دل بسته نبودن، به حضرت آدم و این جهان را به روضه رضوان(بهشت) تشبیه کرده است.

◆به تولای تو در آتش محنت چو خلیل

گوییا در چمن لاله و ریحان بودم

در این بیت نیز شاعر عشق و محبت خود را به آتش و خود را به حضرت ابراهیم که در آتش گرفتار آمده، تشبیه کرده است(تشبیه تلمیحی).

◆نظر دکتر سیروس شمیسا در مورد تلمیح:

"اشاره به داستانی در کلام است و دو ژرف ساخت تشبیه و تناسب دارد؛ زیرا ایجاد رابطه ی تشبیهی بین مطلب و داستانی است و ثانیا بین اجزای داستان، تناسب وجود دارد".

بنابراین تلمیح معمولا بر پایه تشبیه و تناسب(مراعات نظیر) برقرار است.

مانند:

بیستون کندن فرهاد نه کاری است شگفت

شور شیرین به سر هر که فتد کوهکن است

در این بیت اولا این مطلب که هر کس در او عشق و شوری باشد و از عهده مشکلات بزرگ برمی آید، با داستان کوه کندن فرهاد به خاطر عشق شیرین، رابطه ی تشبیهی ایجاد شده است و ثانیا بین بیستون، فرهاد، کوهکن و شیرین، مراعات نظیر تلمیحی(داستانی) وجود دارد.

◆البته باید توجه داشت که تناسب بین اجزا داستانی معمولا قابل تشخیص است، اما گاهی رابطه تشبیهی بین مطلب و داستانی چندان آشکار نیست.

مانند:

"آه اسفندیار مغموم

تو را به که چشم

فرو پوشیده

باشی"

"احمد شاملو"

که در این شعر بین هلاکت و دیدن به معنی فهمیدن، رابطه تشبیهی برقرار شده است که این تشبیه چندان آشکار نیست و دریافت آن نیاز به تعمق و تامل بیشتری دارد.

اما در بیت زیر رابطه ی تشبیهی بین مطلب و داستان کاملا آشکار است:

گر ببینی و دست از ترنج بشناسی

روا بود که ملامت کنی زلیخا را

در این بیت، دیدن یار و حیران شدن به داستان حیرت زنان مصر از مشاهده جمال یوسف تشبیه شده است و این تشبیه کاملا آشکار است.

✓□✓□ نمونه هایی از تلمیح: 👇👇

✓□این مه که چون منیژه لب چاه می نشست

گریان به تازیانه ی افراسیاب رفت

"فریدون مشیری"

همان گونه که مشاهده می کنید اشاره به منیژه تمام داستان بیژن و منیژه را در ذهن خواننده تداعی می کند و تمام ماجرا را به یاد می آورد و این یادآوری سبب می شود که خواننده بیشتر از بیت لذت ببرد.

✓□بی گمان پای چیرهاشان جا پای خداست.

"سهراب سپهری"

این عبارت تلمیح به آیه " فاینَما تولّوا فِثَمَّ وجهَ الله "(بقره۱۱۵) دارد.

✓□گفت آن یار کز او گشت سردار بلند

جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد

"حافظ"

تلمیح به داستان بر دار کردن حسین بن منصور حلاج.

✓□نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت

متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را

"شهریار"

تلمیح به حدیث " لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار ".

✓□عشرتی دارم به یاد روی آن گل در قفس

عشق افکنده است با یوسف به یک زندان مرا

" رهی معیری"

تلمیح به داستان زندانی شدن حضرت یوسف(ع).

✓ مجنون که به دیوانه گری شهره ی شهر است

در دست جنون همسفر عاقل ما بود

" فروغی یزدی "

تلمیح به داستان دلدادگی مجنون به لیلی.

✓ جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او

آن نور روی موسی عمرانم آرزوست

" مولوی"

تلمیح به داستان مبارزه ی حضرت موسی(ع) با فرعون ظالم به فرمان خداوند.

✓ یا رب این آتش که بر جان من است

سرد کن زان سان که کردی بر خلیل

" حافظ "

تلمیح به داستان در آتش انداختن حضرت ابراهیم(ع) توسط نمرود و سرد شدن آتش به فرمان خداوند.

✓ گرش بینی و دست از ترنج بشناسی

روا بود که ملالت کنی زلیخا را

" سعدی "

دراین بیت شاعر با به کارگیری واژه های "ترنج،ملامت و زلیخا" داستانی بلند را تداعی می کند.

و در واقع تلمیح و اشاره است به داستان زلیخا که زنان مصر او را در عشق یوسف ملامت می کردند و زلیخا برای زنان مصر مهمانی ای ترتیب داد تا آن ها را با حضرت یوسف رو به رو کند؛ آن ها با دیدن جمال یوسف نبی، مدهوش و مضطرب شده و به جای ترنج دست های خود را بریدند.

✓ بوی پیراهن گم گشته ی خود می شنوم

گر بگویم همه گویند ضلالی است قدیم

"سعدی"

اشاره به داستان پیراهن یوسف که موجب روشنی چشم یعقوب شد زیرا یعقوب در فراق یوسف چندان گریست که نابینا شد و داستانش در قرآن سوره ی یوسف آمده است: "اِذهبوا بِقَمیصی هذا فَاَلقُوهُ عَلی وَجه ابی یَات بصیرا " یعنی؛ یوسف گفت: "پیراهن مرا ببرید و آن دا بر روی پدرم بیفکنید تا بینا گردد"

✓ از مدحت تو راحت پیراهن یوسف

در ذکر تو خاصیّت انگشتر جم

"حکیم عثمان مختاری"

مصراع اول اشاره دارد به داستان پیراهن یوسف که موجب بینا شدن چشم یعقوب شد.

و مصراع دوم به داستان انگشتری جم یا انگشتری حضرت سلیمان که وقتی در دست می کرد، جنّ و انس و دیگر جانوران، مطیع و فرمانبردار او می شدند.

✓ تضمین

✓تضمین در لغت:

یعنی کسی یا چیزی را ضامن گردانیدن، در پناه و جای آوردن، چیزی را در چیزی نهادن.

✓ تعریف تضمین در اصطلاح ادبی :

وقتی عین آیه، حدیث، مصراع، بیت، اصل نوشته یا سخن دیگری را بر سبیل تمثیل و عاریت در شعر یا نثر بیاورند، تضمین گویند.

✓ چند نکته:

۱_ تضمین هم در شعر کاربرد دارد هم در نثر و جز آرایه های معنوی است.

۲_ در تضمین شعر یا نوشته ی دیگران، اشاره به نام آن شاعر یا نویسنده لازم است؛ مگر آن که به دلیل شهرت بی نیاز از ذکر نام باشد.

۳_با به کار گیری تضمین شاعر یا نویسنده مقصود خود را بهتر بیان می کند و با ایجاد تنوع سبب لذت خواننده می شود.

۴_ به کارگیری تضمین، آگاهی شاعر را از موضوعات مختلف نشان می دهد.

به نمونه های زیر توجه کنید👇👇

✓حافظ از جور تو، حاشا که بگرداند روی

"من از آن روز که در بند توام، آزادم

حافظ در این بیت یک مصراع از غزل سعدی را تضمین کرده است.

✓خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم

کز نسبمش "بوی جوی مولیان آید همی"

همچنین حافظ در این بیت یک مصراع از شعر رودکی را تضمین کرده است.

✓بهر این فرمود رحمان ای پسر

"کل یوم هو فی شان" ای پسر

در این بیت مولوی یک آیه از قرآن را تضمین کرده است.

✓درویش بی معرفت نیارامد تا فقرش به کفر انجامد: " کادَ الفقرُ ان یکونَ کفراً ".

سعدی در این عبارت حدیثی را در اثنای سخن خود آورده و با ایجاز به بهترین شکل، ارتباط بین کفر و فقر نشان داده است.

✓چه زنم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم

که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را

"همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی

به پیام آشنایی بنوازد آشنا را"

شهریار در اثنای غزلش، بیتی از حافظ را تضمین کرده است.

✓مه من نقاب بگشا ز جمال کبریایی

که بتان فروگذارند اساس خودنمایی

"شده انتظارم از حد، چه شود ز در در آیی؟

چه کنم که هست این ها گل باغ آشنایی"

هاتف اصفهانی بیتی از غزل فخرالدین عراقی را تضمین کرده است.

✓بیداری زمان را با من بخوان به فریاد

ور مرد خواب و خفتی

"رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن"

دکتر شفیعی کدکنی مصراعی از مولوی را تضمین کرده است.

و یا در نمونه های زیر سعدی آیه ای از قرآن را آورده و آن را تضمین کرده است👇👇

✓ _موسی(ع) قارون را نصیحت کرد که "اَحسن کما اَحسنَ الله الیکَ"

✓زینهار! از قرین بد، زنهار

"و قنا ربّنا عذاب النّار"

●همانطور که ملاحظه می شود معمولا نمونه ای که شاعر یا نویسنده تضمین می کند چون حالت نقل و قول دارد در گیومه گذاشته می شود.